

درس سوم

دوران اختفا و پنهان زیستن حضرت

اهداف:

- توجه به تلاشهای امام عسکری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای معرفی فرزندش
- شناخت راهکارهای معرفی آخرین حجّت خدا به شیعیان

فواید:

- اثبات ولادت حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- مشخص شدن امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۳. تثبیت اعتقاد شیعیان
- آشنائی با دوران کودکی و زندگی اختفائی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مطالب آموزشی:
- معرفی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیعیان
- معجزات و کرامات امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۳. پاسخگویی به سؤالات شیعیان
- دریافت هدایای مادی و وجوهات شرعی
- نماز بر جنازه پدر بزرگوارش

از ولادت موعود تا شهادت امام عسکری (علیه السلام)

این دوره از زندگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بردارنده نکات بسیار مهمی است که به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود:

معرفی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیعیان

از آن جا که ولادت امام دوازدهم (علیه السلام) به صورت پنهانی انجام گرفت بیم آن بود که شیعیان در شناخت آخرین حجّت پروردگار به اشتباه و گمراهی گرفتار آیند. امام عسکری (علیه السلام) وظیفه داشت تا فرزند خود را به گروهی از بزرگان شیعه و افراد مورد اعتماد معرفی کند تا آنان نیز خبر ولادت او را به دیگر پیروان اهل بیت (علیهم السلام) برسانند و بدین ترتیب ضمن معرفی آن بزرگوار، تهدیدی نیز متوجّه وجود آن آخرین سفیر حق نگردد.

«احمد بن اسحاق» که از بزرگان شیعه و پیروان ویژه امام یازدهم (علیه السلام) است می‌گوید:

خدمت امام عسکری (علیه السلام) شرفیاب شدم و می‌خواستم در مورد امام پس از او سؤال کنم؛ ولی پیش از آن که سخنی بگویم فرمود: «ای احمد! همانا خدای متعال از آن زمان که آدم را آفریده، زمین را از حجّت خود خالی نگذاشته است و تا قیامت نیز چنین نخواهد کرد! به واسطه حجّت خدا، بلا از اهل زمین برداشته می‌شود و [به برکت وجود او] باران باریده و بهره‌های زمینی بیرون می‌آید.»

عرض کردم: ای پسر رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟!

آن حضرت با شتاب به درون خانه رفت و بازگشت در حالی که پسری سه ساله که رویش همانند ماه تمام می‌درخشید بر دوش خویش داشت و فرمود: «ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای متعال و حجّت‌های او گرامی نبودی، این پسر را به تو نشان نمی‌دادم! همانا او هم نام و هم کنیه رسول خداست و کسی است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد.»

گفتم: سرور من! آیا نشانه‌ای هست که قلبم به آن آرام گردد؟!

[در این هنگام] آن کودک، لب به سخن گشود و به زبان عربی روان گفت:

«أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ... مِنْ بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي زَمَانِهِ» که از دشمنان خدا انتقام خواهم گرفت؛ ای احمد

بن اسحاق، پس از این که با چشم خود می‌بینی در پی نشانه مباش!!

احمد بن اسحاق گوید: پس [از شنیدن این سخنان] با شادمانی از خانه امام (علیه السلام) بیرون شدم...^۱

همچنین محمد بن عثمان^۲ و چند تن دیگر از بزرگان شیعه نقل می‌کنند:

چهل نفر از شیعیان نزد امام یازدهم گرد آمدیم. آن حضرت، فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: «پس از من، این

امام شما و جانشین من است. از او فرمان برید و بعد از من در دین خود پراکنده نشوید که هلاک خواهید شد و [

بدانید که [پس از امروز او را نخواهید دید...]^۳

گفتنی است که یکی از برنامه‌های دینی و سنت‌های سفارش شده، عقیقه کردن و ولیمه دادن برای نوزاد است و آن کشتن گوسفند و طعام دادن به گروهی از مردم است که برای سلامتی و طول عمر فرزند تأثیر فراوان دارد. امام حسن عسکری (علیه السلام) بارها برای فرزندش عقیقه کرد^۴ تا ضمن عمل به این سنت نیکوی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) گروه‌های بسیاری از شیعیان را از ولادت امام دوازدهم آگاه سازد.

محمد بن ابراهیم گوید:

امام عسکری (علیه السلام) برای یکی از شیعیان خود، گوسفند سر بریده‌ای فرستاد و فرمود: «این از عقیقه فرزندم «محمد» است.»^۵

معجزات و کرامات

یکی از فرازهای خواندنی زندگی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سال‌های نخستین تولد و پیش از دوران غیبت، معجزه‌ها و کرامت‌هایی است که به وسیله آن حضرت، انجام گرفته است و معمولاً این بخش از حیات آن آیت بزرگ الهی، مورد غفلت واقع شده است.

ما تنها یک نمونه از آن‌ها را می‌آوریم:

ابراهیم بن احمد نیشابوری گوید:

زمانی که عمرو بن عوف، [که فرمانروایی ستمگر بود و به کشتن شیعیان، علاقه فراوان داشت.] قصد کشتن مرا کرد به شدت بیمناک شدم و وحشت همه وجودم را فرا گرفت. پس با خاندان و دوستان خود خداحافظی کرده و رو به جانب خانه امام حسن عسکری (علیه السلام) کردم تا با ایشان نیز وداع کنم و در نظر داشتم که پس از آن بگریزم. چون به خانه امام وارد شدم، در کنار امام حسن عسکری (علیه السلام) پستی دیدم که رویش مانند شب چهاردهم می‌درخشید به گونه‌ای که از نور سیمای او حیران گشتم و نزدیک بود آنچه را در خاطر داشتم [یعنی ترس از کشته شدن و تصمیم به فرار] فراموش کنم.

[در این هنگام آن کودک] به من گفت: «ای ابراهیم، نیازی به گریختن نیست! به زودی خدای متعال، شرّ او را از تو دور خواهد کرد!»

حیرتم بیشتر شد، به امام عسکری (علیه السلام) گفتم: فدای شما شوم! این پسر کیست که از درون من خبر می‌دهد؟! امام عسکری (علیه السلام) فرمود: او فرزند من و جانشین پس از من است....

ابراهیم گوید: بیرون آمدم در حالی که به لطف خداوند امیدوار بودم و به آنچه از امام دوازدهم، شنیده بودم، اعتماد داشتم. چندی بعد، عمویم مرا به کشته شدن عمرو بن عوف، بشارت داد.^۶

پاسخ گویی به سؤالات

آخرین ستاره درخشان آسمان امامت، در همان سال‌های آغاز زندگی، به سؤالات شیعیان در موارد گوناگون، پاسخ‌های محکم و قانع کننده می‌داد و دلگرمی و آرامش خاطر آنان را فراهم می‌کرد. برای نمونه روایتی را به اختصار نقل می‌کنیم:

سعد بن عبدالله قمی از بزرگان شیعه به همراه احمد بن اسحاق قمی و کیل امام حسن عسکری (علیه السلام) برای طرح سؤالات و دریافت پاسخ آن‌ها به محضر امام یازدهم شرفیاب می‌شود. او جریان این دیدار را چنین نقل کرده

است:

چون خواستم سؤال کنم، امام عسکری (علیه السلام) به فرزندش اشاره کرد و فرمود: «از نور چشمم سؤال کن!» در این هنگام کودک رو به من کرده فرمود: «هر چه می خواهی سؤال کن!... پرسیدم: مقصود از «کهیصص» [از حروف مقطعه قرآن] چیست؟ فرمود: این حروف از خبرهای غیبی است. خداوند بنده [و پیامبر] خود زکریا را از آن آگاه ساخته و سپس آن را برای محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) باز گفته است. داستان از این قرار است که زکریا (علیه السلام) از پروردگارش خواست تا نام‌های پنج تن [آل عبا] را به او بیاموزد. خداوند متعال جبرئیل (علیه السلام) را بر او فرستاد و آن نام‌ها را به او یاد داد. زکریا چون [نام‌های مقدس] محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و علی و فاطمه و حسن (علیهم السلام) را بر زبان می آورد اندوه و گرفتاریش برطرف می شد و وقتی حسین (علیه السلام) را یاد می کرد، بغض گلویش را می گرفت و مبهوت می شد. روزی گفت: بارالها چرا وقتی آن چهار نفر را یاد می کنم از اندوه‌ها و نگرانی هایم راحت شده و دل آرام می شوم و چون حسین (علیه السلام) را به یاد می آورم، اشکم جاری و ناله ام بلند می شود؟! خداوند او را از داستان حسین (علیه السلام) آگاه کرد و فرمود: «کهیصص» [رمز این داستان است]. «کاف» رمز کربلا و «هائ» رمز هلاکت خاندان [او] و «یاء» کنایه از نام «یزید» که جفاکننده نسبت به حسین (علیه السلام) است می باشد و «عین» اشاره به عطش و تشنگی او دارد و «صاد» نشانه صبر و استقامت امام حسین (علیه السلام) است...»

گفتم: ای مولای من! چرا مردم از برگزیدن امام برای خود منع شده اند؟

فرمود: «[مقصود تو برگزیدن] امام مصلح است یا امام مُفسد؟» گفتم: امام مصلح [که جامعه را اصلاح کند]. فرمود: «با توجه به اینکه هیچکس از درون دیگری آگاه نیست که به صلاح و درستی می اندیشد یا به فساد و تباهی، آیا احتمال ندارد که برگزیده مردم، مُفسد (و اهل تبهکاری) باشد؟» گفتم: آری، امکان دارد. فرمود: «علت، همین است.»^{۸۷}

گفتنی است که در ادامه روایت، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) علت دیگری نیز بیان کرده اند و به سؤالات دیگر هم پاسخ فرموده اند که برای رعایت اختصار از بیان آن‌ها خودداری شد.

دریافت هدایای مادی

یکی از برنامه‌های شیعیان، فرستادن هدایای مادی و واجبات مالی برای امامان معصوم (علیه السلام) بوده است و آن بزرگواران پس از پذیرفتن آن‌ها، از نیازمندان جامعه رفع نیاز می کردند.

ابن اسحاق یکی از وکیل‌های امام حسن عسکری (علیه السلام) می گوید:

«اموالی از شیعیان را به محضر امام یازدهم (علیه السلام) بردم تا به آن حضرت تقدیم کنم. در آن حال فرزند خردسال حضرت با چهره‌ای که مانند ماه تمام می درخشید در کنار امام حضور داشت. امام عسکری (علیه السلام) رو به فرزند خود کرده فرمود: «فرزندم هدایای شیعیان و دوستانت را باز کن!» کودک فرمود: «ای مولای من! آیا رواست دست پاک [خود] را به هدایای ناپاک و اموال پلیدی که حلال و حرام آن به یکدیگر آمیخته است دراز کنم؟!»

امام عسکری (علیه السلام) فرمود: «ای ابن اسحاق، آن چه در میان اینان است بیرون آور تا حلال و حرام آن را جدا کند!!» پس اولین کیسه را بیرون آوردم. کودک گفت: «این کیسه از فلان شخص از فلان محله شهر قم است [و نام او و نام محله اش را فرمود] که در آن شصت و دو اشرفی است. چهل و پنج اشرفی از آن، بهای فروش زمین سنگلاخی است که صاحبش آن را از پدر خود، ارث برده است و چهارده دینار آن بهای نه جامه است که فروخته و سه دینارش وجه اجاره دکان‌ها است.»

امام عسکری (علیه السلام) فرمود: «فرزند عزیزم! راست گفتمی. اکنون این مرد را راهنمایی کن که کدام [از این اموال] حرام است؟!» کودک با دقت تمام، سگه‌های حرام را مشخص کرد و علت حرام بودن آنها را به روشنی بیان کرد!

سپس کیسه دیگری بیرون آوردم. آن کودک پس از بیان نام و نشان و محل سکونت صاحب آن، فرمود: «در آن کیسه پنجاه اشرفی است که دست زدن بدان برای ما روا نیست.» سپس علت ناپاکی آن اموال را یک به یک بیان کرد! آن گاه امام عسکری (علیه السلام) فرمود: «پسر جانم راست گفتمی!» سپس رو به احمد بن اسحاق کرد و فرمود: «همه را به صاحبش برگردان یا سفارش کن که آنها را به صاحبانش برسانند و ما را نیازی به آن نیست...»^۹

نماز بر جنازه پدر

آخرین فراز از زندگی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران اختفا و پیش از شروع غیبت، نماز خواندن آن حضرت بر جنازه پاک پدر بزرگوارش است.

ابوالآذیان خدمتکار امام یازدهم (علیه السلام) در این باره می گوید:

«امام حسن عسکری (علیه السلام) در آخرین روزهای عمر شریف خود، نامه هایی را به من داد و فرمود: اینها را به شهر مدائن برسان؛ پس از پانزده روز به سامراء بازخواهی گشت و از خانه من ناله و افغان خواهی شنید و [بدن] مرا در محل غسل خواهی دید.» گفتم: ای سرور من! چون چنین روی دهد، امام و جانشین شما که خواهد بود؟ فرمود: «هر کس پاسخ نامه‌های مرا از تو بخواهد، امام پس از من خواهد بود.» گفتم: نشانه دیگری بفرمایید! فرمود: «کسی که بر من نماز بخواند، امام پس از من خواهد بود.» گفتم: نشانه دیگری بفرمائید! فرمود: «کسی که از آن چه در کیسه است خبر دهد، امام پس از من خواهد بود.» [ولی] هیبت و شکوه امام مانع از آن شد که پیرسم در آن کیسه چیست!

نامه‌ها را به مدائن بردم و جواب آنها را گرفتم و همان گونه که فرموده بود روز پانزدهم وارد سامراء شدم و در آن حال فریاد ناله و افغان از سرای آن حضرت شنیدم و [بدن] امام عسکری (علیه السلام) را در محل غسل یافتم. در آن حال جعفر، برادر آن حضرت را دیدم که بر در خانه امام ایستاده است و جمعی از شیعیان، وی را [در مرگ برادر] تسلیت و [بر امامتش] تبریک می گفتند!! با خود گفتم: اگر این [جعفر] امام است که امامت، تباه می شود؛ زیرا او را می شناختم که اهل شراب و قماربازی و تارزنی است! [ولی چون در پی نشانه‌ها بودم] پیش رفتم و [مانند دیگران] تبریک و تسلیت گفتم ولی او درباره هیچ چیز [از جمله جواب نامه‌ها] از من سؤالی نکرد. در آن حال عقید [یکی از خدمتکاران از خانه] بیرون آمد و [خطاب به جعفر] گفت: ای سرور من، برادرت [امام عسکری (علیه السلام)] کفن شده است، برخیز و بر او نماز گزار!! من به همراه جعفر و جمعی از شیعیان داخل خانه شدم و امام یازدهم (علیه السلام) را کفن شده بر تابوت دیدم. جعفر پیش رفت تا بر برادرش نماز گزارد ولی چون خواست تکبیر بگوید کودک گندم گون با گیسوانی مجعد و دندان‌های پیوسته بیرون آمد و لباس جعفر را گرفت و گفت: «ای عمو! عقب برو که من به نماز گزاردن بر پدرم سزاوارترم!» پس جعفر با چهره‌ای رنگ پریده و زرد، عقب رفت! آن کودک پیش آمد و بر بدن امام (علیه السلام) نماز گزارد. پس از آن [به من] فرمود: «جواب نامه هایی را که به همراه داری به من بده!» نامه‌ها را به او دادم. و با خود گفتم این دو نشانه [از نشانه‌های امامت این کودک است]. و جریان کیسه، باقی مانده است. نزد جعفر رفتم و او را دیدم که آه می کشید! یکی از شیعیان از او پرسید این کودک کیست؟

جعفر گفت: به خدا سوگند هرگز او را ندیده و نمی‌شناسم.»

ابوالادیان ادامه می‌دهد:

«ما نشسته بودیم که گروهی از اهل قم آمدند و از امام حسن عسکری (علیه السلام) سراغ گرفتند و چون از شهادت آن حضرت باخبر شدند گفتند: به چه کسی تسلیم بگوئیم؟ مردم به جعفر اشاره کردند. آن‌ها بر او سلام کردند و تبریک و تسلیت گفتند. سپس خطاب به جعفر گفتند: همراه ما نامه‌ها و اموالی است. بگو نامه‌ها از کیست؟ و اموال چقدر است؟!»

جعفر برآشفته و از جا برخاست و گفت: آیا از ما علم غیب می‌خواهید؟! در این حال خدمتکار [از اندرون] بیرون آمد و گفت: نامه‌های فلانی و فلانی همراه شماست [و نام و نشانی صاحبان نامه‌ها را گفت] و نیز کیسه‌ای با شماست که در آن هزار دینار است که نقش ده دینار آن محو شده است! آن‌ها نامه‌ها و اموال را به او دادند و گفتند: آن که تو را برای گرفتن این‌ها فرستاده امام است...»^{۱۰}

خلاصه درس

- امام عسکری(علیه السلام) با توجه به مخفی بودن ولادت فرزندش، وی را به افراد مورد اعتماد و گروهی از بزرگان شیعه، معرفی و نشان داد تا مردم درشناخت آخرین امام(علیه السلام) دچار حیرت و گمراهی نگردند.
- امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سنین کودکی به پرسش‌های کلامی و اعتقادی سعد بن عبدالله پاسخ دادند.
- حضرت بنا به سفارش پدر، هدایای ارسالی شیعیان توسط احمد بن اسحاق را دریافت و با معرفی صاحبان اموال، حلال و حرام بودن آن را از هم تفکیک و اموال حرام را به صاحبان اصلی آنان ارجاع دادند.
- بعد از شهادت امام عسکری(علیه السلام)، امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود بر جنازه پدر نماز گذارد.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. کمال‌الدین - شیخ صدوق - ج ۲
۲. تاریخ عصر غیبت - مسعود پورسیدآقایی و...
۳. دادگستر جهان - ابراهیم امینی
۴. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ولادت تا ظهور - محمدکاظم قزوینی
۵. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - جاسم حسین
۶. حیات فکری امامان شیعه - رسول جعفریان
۷. تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری - غلامحسین محرمی
۸. تاریخ غیبت صغری - سیدمحمد صدر

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۸، ح ۱، ص ۸۰.
۲. او دومین نائب خاص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوره غیبت صغری است که در بخش غیبت، شرح حال او خواهد آمد.
۳. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲، ص ۱۶۲.
۴. همان، باب ۴۲.
۵. همان، ص ۱۵۸.
۶. اثبات الهداة، ج ۳، فصل ۷، ص ۷۰۰.
۷. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۱، ص ۱۹۰.
۸. توضیح این سخن در فصل اول کتاب در بخش منصوب بودن امام از سوی خدا، گذشت.
۹. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۱، ص ۱۹۰.
۱۰. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲، ص ۲۲۳.